

پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش آموزان کم توان ذهنی

Prediction of stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in mothers of mentally retarded students

Mahboobeh Piadeh Amarghan

PhD Student in Psychology, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.

Mohammad Reza Belyad*

Assistant Professor Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran. belyad110@gmail.com

Masoumeh Jian Bagheri

Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.

Nahid Hovasi Soomar

Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.

Tahereh Ranjbari Pour

Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.

محبوبه پیاده امرغان

دانشجوی دکترای روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

محمد رضا بلیاد (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

معصومه زیان باقری

استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

ناهید هواسی سومار

استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

طاهره رنجبری پور

استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Abstract

The aim of this research was to predict stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in the mothers of intellectually disabled students. The current research is part of applied research in terms of its purpose and correlational studies in terms of method. The statistical population includes all the mothers of mentally retarded students in the age range of 6 to 18 years (about 900 people) who were studying in exceptional schools in Qazvin City in 2019-2020. Among them, 246 people were randomly selected as a sample. The tools of this research included Lazarus and Folkman Coping Strategies Questionnaire (WSQ, 1984) and King's Spiritual Intelligence Scale (SISRI, 2008), Young Schemas Short Form (YSQ-SF) (2005). The regression was in the simultaneous method. The findings showed that the domain of cut and rejection, self-management and impaired performance, other orientation, listening to excessive bells and inhibitions, impaired limitations with problem-oriented coping strategies, and negative relationship and is significant and has a positive and meaningful correlation with emotion-oriented coping strategies. Also, the relationship between spiritual intelligence and problem-oriented coping strategies is positive and significant, and negative and significant with emotion-oriented coping strategies. Also, in total, the variance of the strategies variable is 50.7 for problem-oriented coping, and 14.5 variance for emotion-oriented coping strategies variable is explained by predictor variables ($p < 0.05$). It is concluded that the primary maladaptive schema, spiritual intelligence in Finding strategies to deal with stress plays a fundamental role.

Keywords: coping strategy with stress, primary maladaptive schema, spiritual intelligence.

چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی بود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال (حدود ۹۰۰ نفر) مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان قزوین در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند. که از بین آنها به صورت تصادفی خوشه‌ای ۲۴۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (WSQ, ۱۹۸۴) و مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI, ۲۰۰۸)، طرح‌واره‌های یانگ فرم کوتاه (YSQ-SF) (۲۰۰۵) بود. روش تحلیل پژوهش، تحلیل رگرسیون به روش همزمان بود. یافته‌ها نشان داد که حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل با راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار رابطه منفی و معنادار و با راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار مثبت و معنادار دارد. همچنین ارتباط هوش معنوی با راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار مثبت و معنادار و با راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار منفی و معنادار است. همچنین در مجموع ۵۰/۷ واریانس متغیر راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار و ۱۴/۵ واریانس متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود ($P < 0/05$). نتیجه گیری می‌شود که طرح‌واره ناسازگارانه اولیه، هوش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس نقش اساسی دارد.

واژه‌های کلیدی: راهبرد مقابله با استرس، طرح‌واره ناسازگارانه اولیه، هوش معنوی.

یکی از مشکلاتی که از دیرباز جزء مسائل تنش‌زا محسوب می‌شود، حضور فرد کم توان ذهنی در برخی از خانواده‌ها و پیامدهای ناشی از آن است (مرسر^۱، ۲۰۲۲). عقب ماندگی ذهنی یا اختلال رشدی ذهنی^۲ اختلالی است که در دوران رشد روی می‌دهد؛ که صرفاً بر اساس هوشبهر طبقه‌بندی نمی‌شود (لیو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲)؛ هرچند هوشبهر باید حداقل دو انحراف استاندارد کمتر از میانگین باشد (۷۰ یا کمتر) و ویژگی اصلی آن نقص‌هایی در توانایی‌های شناختی و عملکرد سازگارانه است (وود^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). در این میان مادر به عنوان مراقب اصلی بیشترین استرس و آسیب احتمالی را از وقوع این مسئله متحمل می‌شود (مالیندا^۵ و همکاران، ۲۰۲۲).

مادران کودکان کم توان ذهنی به عنوان مراقبین اولیه، به راحتی دچار استرس بیش از حد ناشی از نگهداری از وی می‌شوند (لیونگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). نتایج پژوهش‌های بگ^۷ (۲۰۲۲)، نوریانینگسیه^۸ (۲۰۲۲)، دمیر^۹ و همکاران (۲۰۲۱)، سایشری^{۱۰} (۲۰۱۹) که بر روی مادران کودکان کم توان ذهنی انجام گرفتند، حاکی از آن است که این مادران سلامت روانی ضعیف و فشار روانی بالا را تجربه می‌کنند (فاین^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲). بدیهی است که استرس باعث تغییرات روانشناختی مانند افزایش تحریک پذیری، اضطراب، افسردگی، تنش، عصبانیت و ناتوانی در مهار خود و ایفای نقش مادری می‌شود (رمبو^{۱۲}، ۲۰۲۱).

در این میان تلاش و کوششی که مادر انجام می‌دهد تا این استرس‌ها را از میان بردارد و یا آن را به حداقل رسانده یا تحمل کند را مقابله گویند (ماورده^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۸). مقابله و استرس به عنوان پیوندهای تفکیک ناپذیر توصیف می‌شوند (سبلا^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸). مقابله، تلاش‌های رفتاری و شناختی برای مدیریت، کاهش یا تحمل مطالبات داخلی و خارجی است که توسط تبادلی تنش‌زا ایجاد می‌شود (گوپتا و کومار، ۲۰۲۰)؛ که از نظر لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) دو نوع راهبرد مقابله‌ای وجود دارد که یکی از آنها تنظیم هیجانات یا اضطراب ناشی از موقعیت تنش‌زا (مقابله هیجان مدار^{۱۵}) و دیگری مدیریت مسئله استرس‌زا با تغییر مستقیم عناصر موقعیت تنش‌زا است (مقابله مسئله مدار^{۱۶}) (واسوماتی و موروسواری^{۱۷}، ۲۰۱۹) است. اگرچه هر دو شکل مقابله در بیشتر رویدادها به کار برده می‌شوند، با این حال به شیوه ارزیابی یک نفر از موقعیت بستگی دارد (جیسوال^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۸)؛ که و بارلاس^{۱۹}، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای رابطه وجود دارد (مک دائل^{۲۰} و همکاران، ۲۰۱۸). می‌توان گفت که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل می‌گیرند و در مسیر زندگی تداوم می‌یابند (زودخیزی و صداقت، ۱۳۹۹). به عقیده یانگ (۲۰۰۴) ریشه‌های تحولی طرح‌واره‌ها را باید در ارضا نشدن درست نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی جستجو کرد. این نیازهای اساسی عبارت‌اند از: ۱- نیاز به دل‌بستگی ایمن به دیگران؛ ۲- نیاز به خودگردانی، کفایت و هویت؛ ۳- آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم؛ ۴- نیاز به خودانگیختگی و تفریح و ۵- نیاز به محدودیت‌های واقع‌بینانه و خوشتن‌داری (پیلکینگتون^{۲۱}، ۲۰۲۲). مطابق نظر یانگ (۱۹۹۹) بعضی از افراد به خاطر تجارب

1 Mercer

2 Intellectual Development Disorder

3 Liu

4 Wood

5 Maulinda

6 Liung

7 Bag

8 Nuryaningsih

9 Demir

10 Saishree

11 - Fine

12 Rambo

13 Mawardah

14 Saboula

15 emotional focused coping

16 problem focused coping

17 Vasumathi & Murugeswari

18 Jaiswal

19 Ke & Barlas

20 Mc Donnell

21 Pilkington

دوران کودکی منفی طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ای ایجاد می‌کنند که بر شیوه‌ی تفکر، احساس، رفتار و سایر جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد (تالاروفسکا^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

به عبارت دیگر طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در نحوه مقابله با رویدادها تأثیرگذار هستند (طارق و همکاران، ۲۰۲۱). به گونه‌ای که نتایج پژوهش دوزویس^۲ و همکاران (۲۰۰۹)، گالاگر و گاردنر^۳ (۲۰۰۷)، کامارا و کالوت^۴ (۲۰۱۲)، که و همکاران (۲۰۲۰)، اسپيرو^۵ و همکاران (۲۰۲۲)، کودو^۶ و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که راهبردهای مقابله با استرس با طرحواره‌های ناسازگار اولیه در ارتباط معناداری هستند.

هنگام مواجهه با عامل تنش‌زا، تولید معنای شخصی^۷ نیز به عنوان یک روش مقابله فعالیت می‌کند و به فرد اجازه می‌دهد در شرایط استرس‌زا معنا و هدف بسازد و از این طریق عامل تنش‌زا را تغییر داده و از اثرات منفی آن بکاهد (چن^۸ و همکاران، ۲۰۲۰). پس از کسب معنی، از پربشانی بیشتر جلوگیری می‌شود (وورانتيپو و چاوانوانیچ^۹، ۲۰۲۱). این کارکردهای سازگارانه (مقابله و حل مسئله)، پیش‌نیازهای اساسی ایجاد توانایی ذهنی یا هوش هستند (ارنوت^{۱۰}، ۲۰۲۰)؛ که در این میان هوش معنوی^{۱۱} بعد بالاتری از هوش است که ویژگی‌ها و قابلیت‌های خود را در قالب خرد، شفقت، یکپارچگی، شادی، عشق، خلاقیت و آرامش فعال می‌کند (ساتپتیچ و سامانتا^{۱۲}، ۲۰۲۰). هوش معنوی مجموعه ظرفیت‌های سازگاری در ذهن بر مبنای جنبه‌های غیرجسمانی و متعالی واقعیت است (پینتو و پینتو^{۱۳}، ۲۰۲۰)؛ به بیان دیگر هوش معنوی در برگیرنده نوعی سازگاری و حل مسئله است و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی هدایت می‌کند (سینگلا^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۱). این هوش به فرد دید کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چهارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته و معرفت خویش را عمق بخشد (ما و وانگ^{۱۵}، ۲۰۲۲). نتایج پژوهش‌های ارنوت^{۱۶} (۲۰۲۰)، ناویا و شارما^{۱۷} (۲۰۲۲) و (دامی^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که بین راهبردهای مقابله با استرس و هوش معنوی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها در جامعه ایرانی از اثرات منفی داشتن یک کودک کم‌توان ذهنی و همچنین از بار مراقبتی بسیار زیاد، فشارهای روانی، اجتماعی و مالی ناشی از داشتن چنین کودکی رنج می‌برند، که این عوامل می‌توانند، ثبات خانوادگی را برهم بزند و باعث برهم‌ریختگی سازمان خانواده شوند. مادران این فرزندان باید نقش‌ها، الگوهای تعاملی و روابط خود را در داخل و خارج مجدداً سازماندهی کرده و جهت سازگاری با موقعیت جدید تلاش کنند. بنابراین عملکرد اعضا و در نهایت عملکرد کل خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افزایش فشار بر مراقبین، عواقبی از جمله انزوای خانواده، قطع امید از حمایت‌های اجتماعی، اختلال در روابط خانوادگی و مراقبت ناکافی از بیمار و در نهایت رها کردن کودک را در پی خواهد داشت. توجه به این طیف وسیع از جامعه ایرانی لزوم انجام پژوهش‌های میدانی به منظور مشخص نمودن راهکارهای موثر در مدیریت این معضلات را مشخص می‌کند. علاوه بر این، شیوع کم‌توان ذهنی در جوامع مختلف و عدم وجود درمان قطعی برای آن، موجب می‌شود خانواده‌های این افراد تا پایان عمر درگیر مشکلات بی‌پایان این افراد باشند. بنابراین هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی است.

1 Talarowska

2 Dozois

3 Gallagher & Gardner

4 Cámara & Calvete

5 Spirou

6 Cudo

7 Personal meaning production

8 Chen

9 Woranetipo & Chavanovanich

10 Arnout

11 Spiritual intelligence

12 Satpathy & Samanta

13 Pinto & Pinto

14 Singla

15 Ma & Wang

16 Arnout

17 Navya & Sharma

18 Dami

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان قزوین در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند که تعداد آنها ۹۰۰۰ نفر بود که از میان آنها ۲۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت اند از: مادران دارای کودک کم توان ذهنی در محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال و علاقه و رضایت برای شرکت در پژوهش، عدم وجود اختلال‌های روانشناختی چون افسردگی و عدم شرکت در جلسات روان درمانی و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز انصراف از ادامه همکاری در پژوهش و پرسشنامه‌های مخدوش بود. همچنین در این پژوهش برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی در این پژوهش به هر شرکت کننده یک کد اختصاص داده شد و شرکت کنندگان می‌توانستند از نام مستعار برای شرکت در پژوهش استفاده کنند و اطلاعات خصوصی افراد شرکت کننده در پژوهش که در راستای هدف پژوهش نبود از شرکت کنندگان دریافت نشد. همچنین پس از توزیع لازم به ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی پژوهش رعایت گردید، از جمله این که به زنان شرکت کننده در پژوهش اطمینان خاطر داده شد کلیه اطلاعات پژوهش به صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و از این اطلاعات صرفاً جهت ارزیابی پژوهشی استفاده می‌شود. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS ویراست ۲۶ و روش آماری تحلیل تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه راهبردهای مقابله ای^۱ (CSQ): پرسشنامه راهبردهای مقابله ای توسط فلکمن و لازاروس^۲ در سال ۱۹۸۴ طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۶ گویه و ۸ مولفه مقابله مستقیم، فاصله جویی، خودکنترلی، جستجوی حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریز-اجتناب، حل مسئله برنامه ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت است. براساس طیف سه درجه ای اصلاً استفاده نکرده ام (۰) تا بسیار استفاده کرده ام (۳) است. فولکمن و لازاروس (۱۹۸۶) پایایی این پرسشنامه را با روش همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و پایایی خرده مقیاس های آن ۰/۶۱ برای سبک مقابله فاصله جو، ۰/۷۹ برای ارزیابی مجدد مثبت، ۰/۷۴ برای اجتناب و ۰/۸۸ برای راهبرد مسئله مدارگزارش کرده‌اند. مطالعه رافنسون و همکاران (۱۹۹۲) روایی و اعتبار ساختاری این پرسشنامه در ایسلند را از طریق تحلیل عاملی و رابطه آن را با مقیاس شیوه‌های مقابله با استرس بیلینگر و موس^۳ (۱۹۸۴) $r=0/46$ تایید نمود (گاندوغان و سیسر^۴، ۲۰۲۲). روایی پرسشنامه مذکور طی تحقیقاتی که در ایران انجام شده مورد تایید قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس مقابله مستقیم ۰/۷۰، فاصله جویی ۰/۶۱، خود کنترلی ۰/۷۰، طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۶، پذیرش مسئولیت ۰/۶۶، گریز/اجتناب ۰/۷۲، حل مسئله برنامه ریزی شده ۰/۶۷ و ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۹، که نشان دهنده پایایی مطلوب این آزمون دارند. واحدی (۱۳۸۶)، به منظور بررسی روایی همگرایی پرسشنامه روش های مقابله از محاسبه همبستگی نمره های خام حاصل از این پرسشنامه با نمره های خام حاصل از پرسشنامه استرس لیونل استفاده نمود که نتیجه آن $r=0/56$ نشان داد آزمون از روایی همگرایی بالایی برخوردار است. همچنین نتایج روش تحلیل مؤلفه های اصلی و چرخش واریماکس نشان داد که مقیاس روش های مقابله از ۱۰ عامل با بار عاملی بیش از ۰/۳ تشکیل شده است (نجاریان و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس مقابله مستقیم ۰/۷۶، زیر مقیاس فاصله جویی ۰/۷۱، زیر مقیاس خود کنترلی ۰/۸۰، زیر مقیاس طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۰، زیر مقیاس پذیرش مسئولیت ۰/۸۲، زیر مقیاس گریز/اجتناب ۰/۷۶، زیر مقیاس حل مسئله برنامه ریزی شده ۰/۷۵ و زیر مقیاس ارزیابی مجدد مثبت ۰/۸۳ و آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه نیز ۰/۹۱ بدست آمد.

پرسشنامه هوش معنوی^۵ (SISRI): پرسشنامه هوش معنوی توسط کینگ در سال ۲۰۰۸ طراحی شده است. دارای ۲۴ گویه است که ۴ زیر مولفه تفکر وجودی انتقادی (CET)، تولید معنای شخصی (PMP)، آگاهی متعالی (TA)، بسط حالت هشیاری (CSE) شامل

1 - Coping strategies questionnaire (CSQ)

2 - Folkman, Lazarus

3- Billinger, Moss

4 - Gündoğan, Seğer

5 - Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI)

می‌شود. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملاً مخالفم (۵) تا کاملاً موافقم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این مقیاس در مطالعه کینگ (۲۰۰۷) بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شد و آلفای کرونباخ زیر مقیاس های آن از جمله تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۸، ایجاد معناداری شخصی ۰/۸۷، هشیاری متعالی ۰/۸۹ و گسترش هشیاری متعالی ۰/۹۴ گزارش کرد. کینگ (۲۰۰۷) به منظور سنجش روایی، این مقیاس را با چندین پرسشنامه معتبر از جمله مقیاس خود تفسیری فرا شخصی، مقیاس عرفان و مقیاس دینداری درونی و بیرونی مورد مقایسه قرار داده و ضریب همبستگی آنها را به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۸ گزارش کرده است. در پژوهش زاده شبروز و همکاران (۱۳۹۷) پایایی ابعاد پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۶، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، بسط هوشیاری ۰/۷۲، و آگاهی متعالی ۰/۸۰ و پایایی کل پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۴) روایی سازه پرسشنامه به کمک تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۸ تا ۰/۹ محاسبه شد. روایی همگرا و واگرا به کمک ارزیابی میانگین واریانس استخراجی، حداکثر مجذور واریانس مشترک و میانگین مجذور واریانس مشترک سنجیده شد. روایی همگرا ۰/۵۸ و روایی واگر ۰/۴۴ گزارش شد (به نقل از زاده شبروز و همکاران، ۱۳۹۷). لازم به ذکر است پایایی ابعاد پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر به ترتیب برای تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۳، تولید معنای شخصی ۰/۷۹، بسط هوشیاری ۰/۸۸، و آگاهی متعالی ۰/۷۸ و پایایی کل پرسشنامه نیز ۰/۹۳ بدست آمد.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱ (YSQ-SF): برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه از پرسشنامه ۷۵ سوالی یانگ (۲۰۰۵) با مقیاس پاسخگویی ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملاً نادرست = ۱ تا کاملاً درست = ۶) و ۱۵ خرده مقیاس شامل محرومیت هیجانی، طرد/ رهر شدگی، بی اعتمادی/ بد رفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی کفایتی، آسیب پذیری به ضرر، گرفتاری/ در دام افتادی، اطلاعات، از خودگذشتگی، بازداري هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق، خویشتن داری و خود انضباط ناکافی استفاده شد. آلفای کرونباخ کل برای آزمون حاضر در پژوهش بچ^۲ و همکاران (۲۰۱۸) ۰/۹۶ و برای خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ گزارش شد. در مطالعه‌ی ولبرن و همکاران (۲۰۰۲)، نتایج تحلیل عاملی از ساختار درونی پرسشنامه قویاً حمایت می‌کند. پرسشنامه طرحواره یانگ با پرسشنامه پریشانی روانشناختی کسلر و همکاران (۲۰۰۲) و پرسشنامه همبستگی بالایی دارد که نتایج آن به ترتیب ($r=0/45$) و ($r=0/56$) است (پیلکینگتون^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). در پژوهش غیائی (۱۳۸۸) روایی همزمان پرسشنامه با مقیاس نگرش های ناکارآمد ۰/۶۵ گزارش شد. در پژوهش غیائی (۱۳۸۸)، آلفای کرونباخ آن در خرده مقیاس ها بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۰ و آلفای کرونباخ کل آن ۰/۹۴ گزارش شد (به نقل از سیفی‌زاده آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۲ بدست آمد.

یافته‌ها

میانگین سن گزارش‌شده برای نمونه پژوهش حاضر $39/3 \pm 8/3$ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۹ و حداکثر سن ۴۵ گزارش شد. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش به تفکیک سه مرحله پژوهش در سه گروه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱. بریدگی و طرد
						۱	۰/۲۰۴**	۲. خودگردانی و عملکرد مختل
					۱	۰/۰۹۷	۰/۲۴۵**	۳. دیگر جهت‌مندی
				۱	۰/۱۰۲	۰/۱۹۳**	۰/۲۴۱**	۴. گوش به زنگی بیش از حد و بازداري
			۱	۰/۳۵۷**	۰/۱۹۳**	۰/۱۹۶**	۰/۲۸**	۵. محدودیت‌های مختل
		۱	-۰/۳۲**	-۰/۳۲**	-۰/۰۹۶	-۰/۱۳۷	-۰/۰۸۲	۶. هوش معنوی
	۱	۰/۳۴۲**	-۰/۴۱۹**	-۰/۴۸۲**	-۰/۳۰۲**	-۰/۲۲۸**	-۰/۴۳۶**	۷. راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار

1 - Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)

2 - Bach

3 - Pilkington

پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی
Prediction of stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in mothers ...

۱	۰/۲۳**	-۰/۱۹۲**	۰/۳۳۶**	۰/۲۰۷**	۰/۲۳۸**	۰/۲۴**	۰/۲۵۸**	۸. راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار
۳۴/۷	۳۸/۲	۵۰/۴	۲۵/۵	۲۳/۸	۲۶/۲	۳۶/۵	۵۶/۳	میانگین
۷/۷۶	۹/۲۳	۱۸/۹	۷/۳۹	۶	۵/۸۸	۱۰/۸	۱۲/۵	انحراف استاندارد
۰/۳۲۱	۰/۴۵۵	-۰/۷۲۳	۰/۶۵۴	۰/۸۳۲	۱/۱۳	-۰/۱۵۶	-۰/۴۳۴	چولگی
۰/۸۱۲	۰/۶۹۴	-۰/۲۴۵	۰/۸۰۴	۱/۲۳	۰/۸۶۵	-۰/۶۸۲	۰/۲۱۹	کشیدگی

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین طرح‌واره بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، و محدودیت‌های مختل با راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار رابطه منفی و معنادار و ارتباط هوش معنوی و راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار رابطه مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد ($p < ۰/۰۱$)؛ همچنین بین طرح‌واره بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و هوش معنوی با راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۱$). نتایج آزمون کالموگراف - اسمیرنف برای طرح‌واره بریدگی و طرد (۰/۰۶۹)، خودگردانی و عملکرد مختل (۰/۰۵۶)، دیگر جهت مندی (۰/۰۴۹)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۰/۰۷۶)، محدودیت‌های مختل (۰/۰۰۶)، راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار (۰/۰۵۷)، راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار (۰/۰۶۴) و هوش معنوی (۰/۰۵۱) بزرگتر از ۰/۰۵ گزارش شد ($p > ۰/۰۵$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. لذا استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بلامانع است. همچنین آماره دوربین واتسون نیز ۲/۰۳ گزارش شد که چون مقدار آن بین ۱/۵ تا ۲/۵ است؛ تایید می‌شود.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس

R ² Adjusted	R	متغیر پیش‌بین
۰/۱۷۱	۰/۴۱۳	بریدگی و طرد خودگردانی و عملکرد مختل دیگر جهت مندی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری محدودیت‌های مختل هوش معنوی
۰/۴۴۱	۰/۶۶۴	بریدگی و طرد خودگردانی و عملکرد مختل دیگر جهت مندی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری محدودیت‌های مختل هوش معنوی بریدگی و طرد

جدول (۲) نشان می‌دهد در تحلیل رگرسیون، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی با راهبردهای مقابله با استرس دارای همبستگی چندگانه هستند که مقدار ضریب همبستگی برای راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار برابر با ۰/۴۱۳ و در راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار برابر با ۰/۶۶۴ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی در راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار (۰/۱۷۱) حدود ۱۷/۱ درصد از واریانس راهبردهای مقابله مسئله مدار توسط طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی پیش‌بینی می‌شود. همچنین با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی در راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار (۰/۴۴۱) حدود ۴۴/۱ درصد از واریانس راهبردهای مقابله هیجان مدار توسط طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس

متغیرهای ملاک	متغیر پیش‌بین	B	Beta	t	P
راهبردهای مقابله‌ای	بریدگی و طرد	۵۰/۷		۹/۳۱	۰/۰۰۱
	خودگردانی و عملکرد مختل	-۰/۴۱۱	-۰/۱۰۱	-۲/۱۸	۰/۰۳
	دیگر جهت‌مندی	-۰/۳۴۱	-۰/۱۰۹	-۲/۱۶	۰/۰۳۱
	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	-۰/۳۶۴	-۰/۱۲۱	-۲/۳۹	۰/۰۱۷
	محدودیت‌های مختل	-۰/۳۶۴	-۰/۱۱۹	-۲/۲۱	۰/۰۲۷
	هوش معنوی	۱/۴۱	۰/۴۲۸	۹/۶۹	۰/۰۰۱
هیجان مدار	بریدگی و طرد	۱۴/۵		۳/۴۱	۰/۰۰۱
	خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۳۴۰	۰/۱۴۴	۲/۴۵	۰/۰۱
	دیگر جهت‌مندی	۰/۳۵۷	۰/۱۶۸	۲/۵۳	۰/۰۱۲
	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۳۰۲	۰/۱۲۲	۱/۹۳	۰/۰۴۹
	محدودیت‌های مختل	۰/۷۳۴	۰/۳۱۵	۴/۴۳	۰/۰۰۱
	هوش معنوی	۰/۵۱۸	۰/۲۵۱	۳/۰۹	۰/۰۰۲
		-۰/۳۶۷	-۰/۱۷۳	۳/۲۱	۰/۰۰۱

طبق جدول (۳) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان نشان داده است که زیر مولفه‌ی بریدگی و طرد ($p < 0.001$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($p < 0.05$, $\beta = -0.109$)، دیگر جهت‌مندی ($p < 0.05$, $\beta = -0.121$)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ($p < 0.05$, $\beta = -0.119$)، محدودیت‌های مختل ($p < 0.05$, $\beta = -0.135$) و هوش معنوی ($p < 0.01$, $\beta = 0.428$) توان پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار را دارد. همچنین زیر مولفه‌ی بریدگی و طرد ($p < 0.05$, $\beta = 0.144$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($p < 0.05$, $\beta = 0.168$)، دیگر جهت‌مندی ($p < 0.05$, $\beta = 0.122$)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ($p < 0.05$, $\beta = 0.315$)، محدودیت‌های مختل ($p < 0.05$, $\beta = 0.734$) و هوش معنوی ($p < 0.01$, $\beta = -0.173$) توان پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار را دارند. معادله رگرسیون برای پیش‌بینی راهبردهای مقابله مسئله مدار به شرح زیر است.

$$Y = 50.7 - 0.101(X_1) - 0.109(X_2) - 0.121(X_3) - 0.119(X_4) - 0.135(X_5) + 0.428(X_6)$$

$$Y = 14.5 + 0.144(X_1) + 0.168(X_2) + 0.122(X_3) + 0.315(X_4) + 0.734(X_5) - 0.173(X_6)$$

x1= بریدگی و طرد

x2= خودگردانی و عملکرد مختل

x3= دیگر جهت‌مندی

x4= گوش به زنگی بیش از حد و بازداری

x5= محدودیت‌های مختل

x6= هوش معنوی

طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که از حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و هوش معنوی به ترتیب به میزان ۰/۱۰۱، ۰/۱۰۹، ۰/۱۲۱، ۰/۱۱۹، ۰/۱۳۵، ۰/۴۲۸ از میزان راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه کاسته و به میزان ۰/۴۲۸ افزوده می‌شود. همچنین، به ازای هر واحد که از حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و هوش معنوی به ترتیب به میزان ۰/۱۶۸، ۰/۱۲۲، ۰/۳۱۵، ۰/۲۵۱ به راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار افزوده و به میزان ۰/۱۷۳ واحد کاسته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی مادران کم‌توان ذهنی انجام شد. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل توان پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار در مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی را دارد. نتیجه حاصل با نتیجه پژوهش زودخیزی و همکاران (۱۳۹۹)، دوزویس و همکاران (۲۰۰۹)، کامارا و کالوت (۲۰۱۲)، گالاگر و گاردنر (۲۰۰۷)، که و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان باورهای بنیادین و زیربنایی، نقش مهمی در تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی هر فرد دارند، به عبارت دیگر افراد دنیا و تجارب زندگی خودشان را از چشم‌انداز طرح‌واره‌ها می‌نگرند (زودخیزی و همکاران، ۱۳۹۹). نگاهی بع طرح‌واره‌های قرار گرفته در این حوزه می‌تواند تبیین‌های سودمندی را منعکس کند (طارق و همکاران، ۲۰۲۱). برخی از افراد به منظور مواجهه با مشکلات و رویدادهای منفی زندگی در دوران کودکی بعضی از این طرح‌واره‌ها و راهبرد واره ناسازگارانه را ایجاد می‌کنند. اگرچه طرح‌واره‌ها در دوران کودکی کارکرد خوبی دارند اما استفاده از آن‌ها در سال‌های بعدی زندگی ناسازگارانه است زیرا ادراک جهان مشابه دوران کودکی نیست (تالاروفسکا و همکاران، ۲۰۲۲). وجود این طرح‌واره‌ها در دوران بزرگسالی باعث مقابله با مشکلات در راه‌های ناسازگارانه می‌شود و تهدیدی برای بهزیستی افراد به‌شمار می‌رود. فعال شدن طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه منجر به ارزیابی منفی رویدادها و تغییر محرک‌ها به صورت منفی و تهدید آمیز می‌شود. این امر باعث می‌شود که فرد موقعیت فشارزا و توانایی خود برای مقابله با آن را به صورت منفی ارزیابی کند و در نتیجه در یک راهبرد مقابله‌ای منفعل و ناسازگارانه (مانند مقابله‌ی هیجان‌مدار) درگیر شود (طارق و همکاران، ۲۰۲۱)؛ چرا که افراد زمانی از مقابله‌های ناسازگارانه استفاده می‌کنند که موقعیت استرس‌زا را غیرقابل کنترل و دست‌کاری ادراک کنند (اسپیرو و همکاران، ۲۰۲۲).

از سوی دیگر فعال شدن طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه حجم عظیمی از هیجان‌های منفی و ناخوشایند را تولید می‌کند و افراد سبک مقابله‌ای ناسازگار را به کار می‌بندند تا با هیجانات آشفته ناشی از برانگیختگی طرح‌واره‌ها کنار آیند و از آنجایی که فرد با طرح‌واره‌هایش احساس راحتی می‌کند و نیاز به هماهنگی شناختی دارد برای بقا و تداوم طرح‌واره‌های خود می‌جنگد که یکی از سازو کارهایی که به کار می‌گیرد استفاده از سبک مقابله‌ای ناسازگار است. به دنبال استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناسازگارانه، آشفتنگی‌های روانشناختی بیشتری را تجربه می‌کنند (کودو و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس رویکرد طرح‌واره‌ای یانگ افراد بر اساس طرح‌واره‌های خود سبک‌های مقابله‌ای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند تا به نیازهای طرح‌واره‌ای خود پاسخ دهند (پیلکینگتون، ۲۰۲۲).

همچنین می‌توان افزود طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه توانایی پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار را دارند: نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون که و همکاران (۲۰۲۰)، اسپيرو و همکاران (۲۰۲۲)، کودو و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: طرح‌واره‌ها ذخیره می‌شوند تا در شرایط خاص فعال شوند. زمانی که طرح‌واره‌ای فعال می‌شود، تبدیل به اتاق فرمان افکار خود آیند منفی می‌گردد و به‌طور منفی موجب سوگیری اطلاعات می‌شود. در حقیقت طرح‌واره‌ها ذخیره می‌شوند تا هنگامی که تحت شرایط خاصی، فعال شوند (تالاروفسکا و همکاران، ۲۰۲۲). افراد به دلیل اینکه از طرح‌واره‌های ناسازگار خویش ناآگاه‌اند ممکن است به سمت به‌کارگیری راهبردهای مقابله با استرس نامناسب گرایش پیدا کنند (بارلاس، ۲۰۲۰). همچنین می‌توان گفت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نتیجه تجارب زیان بخش نظیر رهاشدگی، محرومیت هیجانی، تحقیر، نقص در محیط اولیه، و حوادث استرس‌زا است؛ به طوری که این طرح‌واره‌ها به ایجاد باورهای منفی درباره خود، دیگران و جهان و دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به زندگی، منجر می‌شوند (دوزویس و همکاران، ۲۰۰۹). با در نظر گرفتن اینکه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دوره‌های اولیه زندگی تحول یافته و تثبیت شده‌اند و بازنمایی‌های معتبری از تجارب ناخوشایند دوره کودکی هستند، می‌توان چنین استنباط کرد که زمینه ساز تفکر تحریف شده و رفتارهای ناکارآمد و هسته اصلی مشکلات رفتاری، سازشی و روانی قرار گرفته‌اند و همه این‌ها موجب استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد شده است (زودخیزی و همکاران، ۱۳۹۹).

نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد هوش معنوی توان پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار را دارد. نتیجه حاضر با نتایج پژوهشگرانی چون ارنوت (۲۰۲۰)، ناویا و همکاران (۲۰۲۲)، دامی و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: هوش معنوی به افراد کمک می‌کند تا با معنا دادن به ناملایمات، سختی‌ها را تحمل کنند و به دنبال راه‌حلی‌هایی برای آن باشند و در نتیجه به زندگی خود پویای و حرکت دهند. به عبارت دیگر، در هنگام روبه رو شدن با استرس، هوش معنوی با ایجاد معنای شخصی به

فرد امکان می‌دهد تا با ایجاد شرایط جدیدی که حتی اگر استرس‌آور و نگران‌کننده باشد، معنا یا هدفی را در آن بیابد و بتواند با شرایط جدید سازگار شود و به این طریق عامل استرس را تغییر دهد و تأثیرهای منفی آن را کاهش دهد. در واقع هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمات و عطفوت بیشتری به مشکل نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد و سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند (پینتو و همکاران، ۲۰۲۰).

نتیجه حاصل از آزمون پژوهش حاضر نشان داد هوش معنوی توانایی پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار را دارد. نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون سینگلا و همکاران (۲۰۲۱) و دامی و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین یافته حاصل می‌توان گفت: هوش معنوی بیانگر توان به کار بستن منابع و ظرفیت‌های معنوی برای افزایش سازگاری و در نتیجه سلامت روان است (ارنوت، ۲۰۲۰). منظور از هوش معنوی بعدی از هوش است که انسان توسط آن مسائل وجودی درگیر با آن را حل می‌نماید و به زندگی اش معنا می‌دهد و این معنادگی به زندگی می‌تواند در مواجهه با بحران‌های شدید بسیار به افراد کمک کند (سینگلا و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر می‌توان گفت: کنش یکپارچه‌کننده هوش معنوی تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (ناویا و همکاران، ۲۰۲۲). هوش معنوی به‌طور کلی به‌وسیله رفتار حل مسئله انطباقی، در جهت اهداف عملی بیان می‌شود که رشد سازگاران را تسهیل می‌کند. رفتار انطباقی احتمال به وجود آمدن اهداف رقابت‌طلبانه را که موجب ایجاد تعارض درونی می‌شوند، به حداقل می‌رساند. این برداشت از هوش مبتنی بر این فرض است که فرایندهای عمل در جهت اهداف فرد، مستلزم اجرای راهبردهایی برای غلبه بر موانع و حل مسائل است. بنابراین ارتباط مثبت هوش معنوی و راهبردهای مقابله با استرس دور از انتظار نبود. همچنین در تبیین دیگر می‌توان افزود: هوش معنوی موجب می‌شود انسان با ملایمات و عطفوت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد و سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند (دامی و همکاران، ۲۰۱۹).

به‌طور کلی نتایج حاکی از این بود که راهبردهای مقابله با استرس از طریق طرح‌واره‌های ناسازگار و هوش معنوی در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی قابل پیش‌بینی بود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که از آنجا که واحد نمونه پژوهش حاضر مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی شهرستان قزوین بود؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر مناطق استفاده شود.

منابع

- زاده شبروز، ق؛ یوسفی، ن؛ قادری، ف. (۱۳۹۷). نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های مقابله‌ای و نظم جویی شناختی هیجان در پیش‌بینی گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان. روانشناسی مدرسه. ۷ (۴)، ۱۱۸-۱۳۹. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx>
- زودخیزی، ا؛ صداقت، م (۱۳۹۹). مقایسه‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، استرس ادراک شده و راهبردهای مقابله‌ای در نوجوانان بد سرپرست و نوجوانان عادی. فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی. <http://jnip.ir/article-1-480-fa.html>
- سیفی‌زاده آرانی، ح؛ زارعی محمودآبادی، ح؛ بخشایش، ع. (۱۳۹۸). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی با واسطه‌گری ترس از صمیمت در متأهلین. خانواده پژوهی، ۱۵ (۶۰)، ۴۸۶-۴۶۷. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97783.html
- نجاریان، ز؛ صدیقی‌ارفعی، ف؛ تمنایی‌فر، م. ر. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای و ابراز وجود بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های کاشان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۱ (۳)، ۸۷-۱۰۹. [10.22051/JONTOE.2015.2085](https://doi.org/10.22051/JONTOE.2015.2085)
- Ardani, W. A., Sasono, T. N., & Rohmi, F. (2020). The Correlation Between Coping Mechanism And Anxiety Levels On Parents Having Mental Retardation Children In SLB BC PGRI Sumber Pucung. *Jurnal Midpro*, 12(1), 123-134. <https://doi.org/10.30736/md.v12i1.156>
- Arnout, B. A. (2020). A structural equation model relating unemployment stress, spiritual intelligence, and mental health components: Mediators of coping mechanism. *Journal of Public Affairs*, 20(2), e2025. <https://doi.org/10.1002/>
- Bach, B., Lockwood, G., & Young, J. E. (2018). A new look at the schema therapy model: organization and role of early maladaptive schemas. *Cognitive behaviour therapy*, 47(4), 328-349. <https://doi.org/10.1080/16506073.2017.141056>
- Bag, S. (2022). The Effects of Depression Severity on the Stress Coping Methods of Mothers with Mentally Disabled Children. *Istanbul Medical Journal*, 23(1). [10.4274/imj.galenos.2022.99075](https://doi.org/10.4274/imj.galenos.2022.99075)
- Cámara, M., & Calvete, E. (2012). Early maladaptive schemas as moderators of the impact of stressful events on anxiety and depression in university students. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 34(1), 58-68. <https://doi.org/10.1007/s10862-011-9261-6>
- Chen, S., Xia, M., Wen, W., Cui, L., Yang, W., Liu, S., ... & Lei, W. (2020). Mental health status and coping strategy of medical workers in China during The COVID-19 outbreak. *MedRxiv*. <https://doi.org/10.1101/2020.02.23.20026872>

- Cudo, A., Dobosz, M., Griffiths, M. D., & Kuss, D. J. (2022). The Relationship Between Early Maladaptive Schemas, Depression, Anxiety and Problematic Video Gaming Among Female and Male Gamers. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 1-28. <https://doi.org/10.1007/s11469-022-00858-2>
- Dami, Z. A., Setiawan, I., Sudarmanto, G., & Lu, Y. (2019). Effectiveness of group counseling on depression, anxiety, stress and components of spiritual intelligence in student. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 8(9), 236-243. <https://www.researchgate.net/profile/Zummy-Anselmus-Dami/publication/336265990>
- Demir, Z. G., Güler, K., Aktan, E. A., & Sevimli, D. (2021). Comparison and examination of the death anxiety of parents with and without having mental retarded children. *The Journal of Neurobehavioral Sciences*, 8(1), 28. <http://www.jnbsjournal.com/text>
- Dev, R. D., Kamalden, T. F., Geok, S. K., Ayub, A. F., & Ismail, I. A. (2018). Spiritual intelligence on health behaviours among Malaysian university students in a Malaysian public university: The mediating role of self efficacy. *Malaysian Journal of Movement, Health & Exercise*, 7(2), 53-64. <https://doi.org/10.15282/mohe.v7i2.203>
- Dozois, D. J., Martin, R. A., & Bieling, P. J. (2009). Early maladaptive schemas and adaptive/maladaptive styles of humor. *Cognitive therapy and research*, 33(6), 585-596. <https://doi.org/10.1007/s10608-008-9223-9>
- Fine, S. L., Kane, J. C., Spiegel, P. B., Tol, W. A., & Ventevogel, P. (2022). Ten years of tracking mental health in refugee primary health care settings: an updated analysis of data from UNHCR's Health Information System (2009–2018). *BMC medicine*, 20(1), 1-16. <https://doi.org/10.1186/s12916-022-02371-8>
- Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1986). Stress processes and depressive symptomatology. *Journal of abnormal psychology*, 95(2), 107. <https://doi.org/10.1037/0021-843X.95.2.107>
- Gallagher, B. V., & Gardner, F. L. (2007). An examination of the relationship between early maladaptive schemas, coping, and emotional response to athletic injury. *Journal of Clinical Sport Psychology*, 1(1), 47-67. <https://doi.org/10.1123/jcsp.1.1.47>
- Gündoğan, S., & Seçer, İ. (2022). Coping with School Burnout. *Psikiyatride Guncel Yaklasimlar*, 14(3), 331-339. <https://doi.org/10.18863/pgv.1025335>
- Jaiswal, S. V., Subramanyam, A. A., Shah, H. R., & Kamath, R. M. (2018). Psychopathology and coping mechanisms in parents of children with intellectual disability. *Indian Journal of Psychiatry*, 60(3), 312. [10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_259_17](https://doi.org/10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_259_17). doi: [10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_259_17](https://doi.org/10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_259_17)
- Ke, T., & Barlas, J. (2020). Thinking about feeling: Using trait emotional intelligence in understanding the associations between early maladaptive schemas and coping styles. *Psychology and Psychotherapy: theory, research and practice*, 93(1), 1-20. <https://doi.org/10.1111/papt.12202>
- Liu, Q., Cai, M., Liu, D., Ma, S., Zhang, Q., Liu, Z., & Yang, J. (2022). Two stream Non-Local CNN-LSTM network for the auxiliary assessment of mental retardation. *Computers in Biology and Medicine*, 105803. <https://doi.org/10.1016/j.compbiomed.2022.105803>
- Liung, S., Marchira, C. R., Supriyanto, I., Agusno, M., Soewadi, S., & Sumarni, S. (2019). Association of religious coping use with psychological well-being of mother of mentally retarded children. *Journal of Community Empowerment for Health*, 2(2), 181-189. <https://doi.org/10.22146/jcoemph.48193>
- Ma, Q., & Wang, F. (2022). The Role of Students' Spiritual Intelligence in Enhancing Their Academic Engagement: A Theoretical Review. *Frontiers in Psychology*, 13, 857842. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.857842>
- Maulinda, A. V., Murti, B., & Adriani, R. B. (2022). The Experience of Mothers Caring for Children with Disabilities at the Persatuan Rakyat Indonesia Special School in Pekalongan, Central Java: A Phenomenological Study. *Journal of Maternal and Child Health*, 6(6), 632-641. <https://doi.org/10.26911/thejmch.2021.06.06.01>
- Mawardah, U., Siswati, S., & Hidayati, F. (2018). Relationship between active coping with parenting stress in mother of mentally retarded child. *Jurnal Empati*, 1(1), 1-14. <https://indianjournals.com>
- Mc Donnell, E., Hevey, D., McCauley, M., & Ducray, K. N. (2018). Exploration of associations between early maladaptive schemas, impaired emotional regulation, coping strategies and resilience in opioid dependent poly-drug users. *Substance use & misuse*, 53(14), 2320-2329. <https://doi.org/10.1080/10826084.2018.1473438>
- Mercer, J. R. (2022). Labeling the mentally retarded: Clinical and social system perspectives on mental retardation. *Univ of California Press*. <https://books.google.com/books>
- Navya, G., & Sharma, S. (2022). Impact of Spiritual Intelligence on Perceived Stress among Male and Female University Students. *International Journal of Bio-Resource & Stress Management*, 13(1). https://www.pphouse.org/upload_article/3332654
- Nuryaningsih, N. The Role of Parents in the Development of Mentally Retarded Children at Slbn Angkola Timur, South Tapanuli. *European Journal of Research Development and Sustainability*, 2(12), 136-138. <https://www.neliti.com/publications/388153/the-role-of-parents>
- Pilkington, P. D., Bishop, A., & Younan, R. (2021). Adverse childhood experiences and early maladaptive schemas in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 28(3), 569-584. <https://doi.org/10.1002/cpp.2533>
- Pilkington, P. D., Spicer, L., & Wilson, M. (2022). Schema therapists' perceptions of the influence of their early maladaptive schemas on therapy. *Psychotherapy Research*, 1-14. <https://doi.org/10.1080/10503307.2022.2038804>
- Pinto, C. T., & Pinto, S. (2020). From spiritual intelligence to spiritual care: A transformative approach to holistic practice. *Nurse Education in Practice*, 47, 102823. <https://doi.org/10.1016/j.nepr.2020.102823>

- Rambo, C. (2021). Remixing/Reliving/Revisioning "My Mother Is Mentally Retarded". In Handbook of Autoethnography (pp. 401-410). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/978042943176>
- Saboula, N. E., Shattla, S. I., & Arrab, M. M. Effect of Cognitive Behavior Therapy on Problem Solving and Stress Coping among Parents of Children with Mental Retardation. <https://www.researchgate.net/p>
- Saishree, M. (2019). Pranayama on stress among mothers of mentally retarded children. TNNMC Journal of Mental Health Nursing, 7(2), 4-8. <https://indianjournals.com/ijor>.
- Satpathy, T. K., & Samanta, S. (2020). Influence of Spiritual Intelligence on human psychology-a review. *Wutan Huatan Jisuan Jishu*, 16. <https://www.researchgate.net/profile/Sasmita-Samanta/publication/358796752>
- Singla, H., Mehta, M. D., & Mehta, P. (2021). Modeling spiritual intelligence on quality of work life of college teachers: a mediating role of psychological capital. *International Journal of Quality and Service Sciences*. <https://doi.org/10.1108/IJOSS-07-2020-0108>
- Spirou, D., Raman, J., Bishay, R. H., Ahlenstiel, G., & Smith, E. (2022). Childhood trauma, posttraumatic stress disorder symptoms, early maladaptive schemas, and schema modes: a comparison of individuals with obesity and normal weight controls. *BMC psychiatry*, 22(1), 1-12. <https://doi.org/10.1186/s12888-022-04169-7>
- Talarowska, M., Wysocki, G., & Chodkiewicz, J. (2022). Affective Neuroscience Personality Scales and Early Maladaptive Schemas in Depressive Disorders. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(13), 8062. <https://doi.org/10.3390/ijerph19138062>
- Vasumathi, K., & Murugeswari, N. (2019). Coping among mothers of mentally challenged children in selected special schools, Coimbatore. *IAHRW International Journal of Social Sciences Review*, 7(6), 1878-1881. <https://www.proquest.com/openview/c37537d79ae407ff2569032112728f8d>
- Wood, M. E., Brown, K. P., Biting, A. R., Slobogin, C., & Bowerman, B. (2022). Legal Admissibility of the Competence Assessment for Standing Trial for Defendants with Mental Retardation (CAST-MR). *Journal of Personality Assessment*, 104(2), 289-301. <https://doi.org/10.1177/0093854890017002001>
- Woranetipo, S., & Chavanovanich, J. (2021). Three-way interactions of workload, social support and coping strategy on job burnout. *The Journal of Behavioral Science*, 16(1), 58-72. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2007.06.022>

پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی
Prediction of stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in mothers ...